

جایگاه یهودیان در بخش‌های اقتصادی دوره قاجار «با تاکید بر مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول»

منصور موسوی^۱

چکیده

ایرانیان یهودی در دوره قاجاریه با عوامل گوناگون محدودکننده اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو بودند. به دلیل ذهنیت رایج عامه مردم نسبت به یهودیان، محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های اقتصادی یهودیان وجود داشت. اما یهودیان از دشواری‌های زندگی‌شان به سود خود بهره‌برداری کردند. پیروزی مشروطه در ایران، زمینه اجتماعی و قانونی مناسبی را فراهم آورد، یهودآزاری کمتر شد و از آن‌پس دیگر نه خبری از وصله جودی بود و نه پرداخت مالیات سرانه. این امر باعث شد یهودیان فعالیت‌های اقتصادی‌شان را افزایش دهند. با وجود برخی از این محدودیت‌ها در دوره قاجاریه، یهودیان در بازار پذیرفته‌شده بودند و می‌توانستند به راحتی به کسب‌وکار و بازرگانی بپردازند. سهم عمده‌ای از صادرات و واردات ایران در دست بازرگانان یهودی قرار گرفت و آنها توانستند به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یابند.

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، mansour.mosavi@yahoo.com

برخی از آنها به شهرها پرجمعیت روی آوردند و شغل‌های پرسودی مانند بازرگانی، صرافی، دلالی و پزشکی را در دست بگیرند. هدف اصلی در این پژوهش، تبیین نقش و جایگاه یهودیان در بخش‌های مختلف اقتصادی دوره قاجاریه می‌باشد. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای تهیه شده است. وقوع جنگ جهانی اول، وضعیت اقتصادی ایران را برهم زد و به تبع آن یهودیان نیز که بعد از سال‌ها محدودیت توانسته بودند به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه بازرگانی، بانکداری و صرافی و دلالی برسند در تنگنای کامل قرار گرفتند. این جنگ بر مهم‌ترین شاخه فعالیت اقتصادی یهودیان، یعنی بازرگانی، آسیب جدی وارد کرد. علاوه بر آن، جنگ سبب افزایش تعصبات دینی در منطقه گردید که این امر تأثیر مستقیمی بر روحیات یهودیان و تمایل آنها به مهاجرت گذارد. وضعیت اقتصادی نامناسب ایران در آن سال‌ها و مهاجرت از ایران جایگاه ممتاز اقتصادی یهودیان را در عصر قاجاریه به شدت متزلزل کرد. در واقع، پس از جنگ پیشرفت‌های قابل توجه یهودیان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، دچار یک وقفه چندساله شد.

کلیدواژه‌ها: یهودیان، قاجاریه، اقتصاد، مشروطه، جنگ جهانی اول.

مقدمه

ایران از دیرباز سرزمین اقوام و پیروان ادیان مختلف بوده است و یهودیان نیز از جمله اقوامی هستند که قدمت حضورشان در ایران به دوره هخامنشی بازمی‌گردد. این گروه از ایرانیان در بیشتر دوره اسلامی از لحاظ اقتصادی جزو طبقات پایین جامعه به شمار می‌رفتند و مسلمانان در روابطشان با آنان حساسیت خاصی نشان می‌دادند؛ لیکن در مقاطع زمانی کوتاهی مانند دوره ایلخانان در اقتصاد و سیاست

حضور بیشتری پیدا کردند و کوشیدند تا موقعیت اجتماعی‌شان را بهبود بخشند. در دوره قاجاریه تراکم جمعیت یهودیان در بعضی از شهرها افزایش یافت و به موجب فرامین پادشاهانی مانند ناصرالدین‌شاه، حقوق اجتماعی‌شان مورد حمایت قرار گرفت و به تدریج از پرداخت جزیه معاف شدند. همین امر سبب شد تا آنان در فعالیتهای اقتصادی به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یابند. در گذشته یهودیان کم‌درآمد با شغل‌هایی با منزلت اجتماعی پایین مانند دوره‌گردی، نوازندگی، رقاصی و آوازخوانی گذران می‌کردند. تولید شراب، عرق‌فروشی و کارهای دیگری نیز که مسلمانان از دست زدن به آن پرهیز می‌کردند، بیشتر توسط آنان انجام می‌گرفت. با این حال درمان بیماران هم تا حد زیادی در اختیار یهودیان بود و نوعی امنیت خاطر و احترام برای آنان کسب می‌کرد؛ زیرا بیماران مسلمان نیز به آنها نیاز داشتند. یهودیان پردرآمدتر، مشاغلی مانند جواهرفروشی، عتیقه‌فروشی، زرگری و صرافی داشتند و در معاملات بزرگ شرکت می‌کردند. در دوره مشروطه ایرانیان یهودی توانستند با به دست گرفتن بازرگانی شاهراه غرب کشور به بین‌النهرین، به رکن اقتصادی مهمی تبدیل شوند. ایجاد راسته‌ای با نام «بازار یهودیان» در بازارهای همدان، کرمانشاه و نواحی کردستان، نشان‌دهنده نقش پررنگ آنان در این بخش از کشور بوده است. بدین ترتیب هم‌زمان با بروز جنبش‌های اجتماعی در دوره قاجاریه، یهودیان نیز فرصت یافتند تا برای ارتقای موقعیت اجتماعی‌شان بکوشند.

پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. ایرانیان یهودی در بخش‌های مختلف اقتصادی دوره قاجاریه از مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول از چه جایگاهی برخوردار بودند؟
۲. نوع فعالیت‌هایی ایرانیان یهودی دوره قاجاریه در بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات) چگونه بوده است؟

بنا به فرضیه اول، فرضیه‌ای که در ارتباط با سؤال اصلی در این پژوهش در نظر گرفته شده؛ این مطلب است که ایرانیان یهودی با وجود محدودیت‌های اجتماعی، در دوره قاجاریه برای ارتقای موقعیت اجتماعی‌شان، با استفاده از آزادی نسبی که بر اثر پیروزی مشروطه ایجاد شده بود از راه فعالیت‌های اقتصادی کوشیدند جایگاه اقتصادی مطلوبی در کشور پیدا کنند؛ و با فعالیت در امور بانکداری، شرکت در امور تجارت و بازرگانی، جایگاه اقتصادی‌شان را بهبود بخشیدند. اما با وقوع جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط بیگانگان، در پی کاهش جمعیت، ناامنی و شرایط نابسامان اجتماعی و اقتصادی، جایگاه ممتازی که یهودیان به دست آورده بودند در پایان عصر قاجاریه به شدت متزلزل گردید و این امر تأثیر مستقیمی بر تمایل آنها برای مهاجرت از ایران گذارد.

فرضیه دوم نیز بیان می‌کند که با وجود اینکه در گذشته یهودیان کم‌درآمد یا شغل‌هایی با منزلت اجتماعی پایین مانند دوره گردی، نوازندگی، رقاصی و آوازخوانی گذران می‌کردند. با آزادی نسبی که بر اثر پیروزی مشروطه ایجاد شده بود، یهودیان توانستند با امنیت خاطر بیشتر نسبت به قبل امنیت در مشاغل پردرآمدتر مانند بازرگانی و تجارت، جواهرفروشی، عتیقه‌فروشی، زرگری و صرافی و امور بانکداری فعالیت داشته باشند و بتوانند جایگاه اقتصادی خود را ارتقاء ببخشند.

در ارتباط با سابقه و پیشینه تحقیقات انجام شده در این زمینه، در متون تاریخی کمتر به یهودیان پرداخته شده است؛ همین امر پژوهش درباره آنان را دشوار می‌کند. یک دسته از برجسته‌ترین منابع در باب یهودیان، سفرنامه‌های اروپاییان در ایران است که تا حدودی توانسته نقصان کمبود منابع تاریخی را جبران کند. وضعیت زندگی پیروان ادیان مختلف و نیز جایگاه آنان در بین اکثریت مسلمان جامعه ایرانی در گزارش‌ها و سفرنامه‌های عصر قاجاریه بازتاب مناسبی یافته است و حتی

گزارش‌های خوب و ارزشمندی از یهودیانی که برای بررسی وضعیت ایرانیان یهودی به مناطق یهودی‌نشین سفر می‌کردند نیز در دست است. بسیاری از این گزارش‌ها در مراکز اسناد و کتابخانه‌ها و بنگاه‌های خارج از کشور نگهداری می‌شود و دسترسی به آنها چندان آسان نیست؛ لیکن به سفرنامه‌نویسانی مانند اوبن (۱۳۹۰)، تودولایی (۱۳۸۰)، جکسن (۱۳۶۹)، چریکف (۱۳۵۸)، گروته (۱۳۶۹)، موریه (۱۳۸۶)، ویشارد (۱۳۶۳)، ویلز (۱۳۶۸) و دوبد (۱۳۷۱) می‌توان اشاره کرد که به زندگی یهودیان نیز توجه نشان داده‌اند. در بین منابع اصیل داخلی، خاطرات حاکمان محلی و درباریان درباره یهودیان داده‌های درخور توجهی دارند. «ظهیرالدوله» که مدتی حاکم همدان بود و «اعتمادالسلطنه» (۱۳۴۵) اطلاعات خوبی را درباره یهودیان ارائه می‌دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این منابع بیشتر به اوضاع اجتماعی، جمعیت و شیوه معیشت یهودیان پرداخته و کمتر به فعالیت‌های اقتصادی آنان توجه نشان داده‌اند. ایراد عمده این منابع فقدان تحلیل و نقد و گاهی ارائه اطلاعات متضاد با یکدیگر است. اسناد به‌جامانده درباره یهودیان نیز اندک بوده و بیشتر مربوط به دوره پسا قاجاریه است. روزنامه‌های دوره قاجاریه - به‌ویژه روزنامه‌های محلی شهرهایی مانند تهران، اصفهان، همدان و کاشان که یهودیان در آن سکونت داشته‌اند - نیز گاهی اطلاعاتی درباره آنان منتشر کرده‌اند. در خصوص فعالیت‌های یهودیان اطلاعات بسیار ارزشمندی در اسناد منتشر نشده در مراکز آرشیوی ایران چون آرشیو وزارت امور خارجه، سازمان اسناد ملی و مجلس شورای اسلامی وجود دارد که بسیاری از زوایای تاریک فعالیت‌های اقتصادی آنان را روشن می‌نماید. از تحقیقات جدید از جمله به آثار زیر می‌توان اشاره کرد:

سرگذشت ایرانیان یهودی در کتاب «تاریخ یهود ایران» اثر «حبیب لوی» به رشته تحریر درآمده است. این اثر سه جلدی مروری دارد بر چگونگی پیدایش قوم

«بنی اسرائیل» و سیر تحولاتی که این قوم به‌ویژه ساکنان یهودی سرزمین ایران از حدود دو هزار و پانصد سال پیش تاکنون از سر گذارده‌اند. نویسنده در فصول پایانی به دوره قاجاریه پرداخته و دو مبحث کلی «بررسی» و «نقد و نظر» را نیز در اثر خود گنجانیده است.

در خصوص اقتصاد دوره قاجاریه «تاریخ اقتصادی ایران؛ عصر قاجاریه ۱۳۳۲- ۱۲۱۵ق، اثر «چالز عیسوی» (۱۳۶۲) اطلاعات درخور توجهی دارد و نیز «اقتصاد ایران» اثر «جولیان باری یر» (۱۳۶۳) و «مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران» اثر «جان فوران» (۱۳۹۰)، نیز حاوی برخی مطالب سودمند است. از نویسندگان ایرانی «محمدعلی جمال‌زاده» در کتاب «گنج شایگان» (۱۳۳۵)، «سعید نفیسی» در «تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در قرون معاصر» (۱۳۸۳)، احمد سیف در «اقتصاد در ایران قرن نوزده» (۱۳۹۲) و «محمدعلی کاتوزیان» در «اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی» (۱۳۷۴) به اقتصاد ایران در عصر قاجار پرداخته‌اند. لیکن در مورد نقش اقتصادی ایرانیان یهودی در دوره قاجاریه تاکنون پژوهش کامل و مستقلی صورت نپذیرفته است.

۱- نقش ایرانیان یهودی در فعالیت‌های کشاورزی دوره قاجاریه

با اینکه کشاورزی بخش اصلی اقتصاد ایران در قرن سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی بوده است، ولی هنوز آگاهی اندکی درباره آن وجود دارد. مورخان در هنگام نگارش تاریخ اقتصادی و یا اجتماعی عصر قاجار به‌ندرت به اهمیت واقعی مقوله کشاورزی توجه کرده‌اند و تاکنون مطالعات جامعی در باب تاریخ کشاورزی در ایران به انجام نرسیده است. به‌هرحال مباحثی چون دگرگونی‌هایی که شامل قیام تنباکو، افزایش اشتغال کشاورزان به فعالیت‌هایی خارج از حوزه زراعت، رشد دستمزد

کارگران، افزایش کشت محصولات زراعی تجاری (مانند تریاک و تنباکو) و تأثیر فزاینده اقتصاد بازار بر روستاها و تأثیر تجاری کردن کشاورزی را بر پایگاه اقتصادی- اجتماعی جمعیت‌های روستایی در دوره قاجاریه مورد تجزیه و تحلیل دقیقی قرار نگرفته است.

به طور کل می‌توان گفت تحولات اقتصادی ایران در نیمه قرن سیزده هجری / قرن نوزدهم میلادی نه بر پایه نیازهای اقتصاد ملی مستقل؛ بلکه بر پایه نیازهای بازار جهانی و در جهت منافع بیگانگان شکل گرفت. بدون شک یکی از دلایل جنبش مشروطه این بود که اقتصاد دوره قاجاریه پاسخ مطالبات اجتماعی را نمی‌داد. هرچند بیشتر جنبش‌ها و انقلاب‌ها شکل و رویه اجتماعی دارند اما علل اقتصادی در آنها مهم‌تر می‌باشند. اقتصاد کشاورزی و شبه فئودالی ایران در این دوره نیز تحت تأثیر تغییرات بین‌المللی و ملی قرار داشت. بدین معنا که در مقطع زمانی موردنظر تأمین کسر موازنه بین صادرات و واردات و تهیه ارز لازم برای وارد کردن کالاهای مورد احتیاج طبقه حاکم و یا برای خرید تسلیحات و سایر پرداخت‌های دولت، هدف کشاورزی تجاری قرار گرفت، در نتیجه کشت فرآورده‌های کشاورزی نقدینه آفرین با صادراتی نظیر تریاک، توتون و پنبه به جای فرآورده‌های غذایی مانند گندم و سایر غلات رواج یافت (سیف، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴).

نتیجه چنین تغییری در ماهیت تولید محصولات کشاورزی سبب شد، اولاً نوسانات قیمت مواد اولیه در بازار جهانی به شدت بازار داخلی ایران را چه در بخش تجاری و چه در بخش کشاورزی تحت تأثیر قرار دهد و از طرف دیگر، رواج کشاورزی تجاری باعث رشد سرمایه‌گذاری از جانب طبقات مرفه جامعه نظیر، والیان و دیگر مقامات دیوان‌سالاری، روحانیون، تجار و اشراف بود که اقدام به خرید زمین می‌کردند (کدی،

۱۳۶۹، ص ۵۶) و به‌طور کل کشاورزی سنتی ایران را که از گذشته‌های دور جوابگوی نیاز داخلی بود به‌سوی کشاورزی تجاری وابسته به بازار جهانی سوق دهند. ایرانیان یهودی از قدیم‌الایام به مردمان تاجر پیشه و بازرگان معروف بوده‌اند و کمتر آنها را مشغول اموری مانند کشاورزی دیده‌اند. علت این موضوع شاید این باشد که یهودیان عمدتاً مردمانی شهرنشین و پیشه‌ور بودند. همان‌طور که در منابع آمده است، از گذشته‌های دور نظیر یهودیان صدر اسلام به شغل کشاورزی اشتغال داشتند، اما اینکه از چه هنگام کشاورزی را رها کرده و شهرنشین شده‌اند نامشخص است. می‌توان اشاره کرد، لزوم پرداخت خراج سنگین که از درآمد حاصل از کشت زمین گرفته می‌شد همراه با جزیه، به‌تدریج یهودیان ساکن در روستاها را واداشت تا زمین‌های خود را بفروشند و جوامع روستایی را ترک گویند و در شهرها ساکن شوند (بروجردی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶). شاید فشار همین پرداخت‌های مالیات زمین به همراه پرداخت جزیه بود که یهودیان را مجبور نمود، کشاورزی و دامداری را رها کرده و به تجارت و همچنین صنایع شهری دیگری که مالیات کمتری را طلب می‌کرد، علاقه‌مند شوند.

هرچند در دوره قاجار اطلاع خاصی از یهودیان کشاورز ارائه نشده است، اما به نظر می‌رسد به‌صورت بسیار محدودی به آن پرداخته‌اند به‌طور مثال در آماري که از دارالخلافه در قرن ۱۳ هجری در مورد زمین‌های زراعی، باغت و کشاورزی خارج از شهر تهران، ارائه شده از باغ «ابراهیم یهودی»، باغ «عزیزالله یهودی»، باغ «سلیمان یهودی» نیز نام برده می‌شود (سیروس و اتحادیه (نظام مافی)، ۱۳۶۸، صص ۴۵۷-۴۵۸). همچنین در حوالی کردستان یهودیان زارعی زندگی می‌کرده‌اند، اما اطلاعات چندانی از نحوه زندگی و معاش و همچنین میزان تولیدی که می‌توانسته‌اند داشته باشند و نیز محصولاتی که کشت می‌کرده‌اند در دست نیست. به‌طور کل فعالیت

کشاورزی، فعالیت گسترده‌ای برای یهود به حساب نمی‌آمد و به نظر می‌رسد نقشی که یهودیان در اقتصاد زراعی بازی می‌کردند بسیار ناچیز بوده است.

این نقش کم‌رنگ و ضعیف در فعالیت کشاورزی به‌گونه‌ای بود که در سال‌های منتهی به مشروطه و حتی بعد از آن نیز آن می‌توان مشاهده نمود، برای مثال در سال ۱۳۳۰ هجری (۱۹۱۲ م) ایرانیان یهودی برای برگزاری مراسم آئینی خود و تهیه فطیر شب عید با کمبود گندم مواجه شده و در نتیجه با نوشتن عریضه‌ای دست به دامن وزارت داخله شده و تقاضای گندم مورد نیاز را نموده‌اند. در زیر مکاتبه وزارت داخله با وزارت مالیه وقت در این خصوص جهت تأمین گندم مورد نیاز یهودیان خواهد آمد:

وزارت جلیله مالیه

جماعت کلیمی شرحی بوزارت داخله نوشته و تقاضا کرده بودند هشت خروار گندم معمولاً برای مصرف عید فطیر بانها داده شود مراتب از حکومت تهران استعلام شد اینک سواد جوابیه از مشارالیه رسیده است ... ملاحظه ... فرمائید هشت خروار گندم بانها داده و قیمته را دریافت دارند. (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۲۴۰/۰۰۷۶۳۸).

۲- میزان فعالیت ایرانیان یهودی در مشاغل خدماتی دوره قاجاریه

با نگاهی به جایگاه اجتماعی و وضعیت معیشتی ایرانیان یهودی، بعد از جنبش مشروطه با حمایت‌های که در دوره ناصری در مورد این اقلیت صورت گرفت و همچنین تحولاتی که به دنبال برپایی مشروطیت در جامعه ایرانی رخداد، چندان تغییر قابل توجهی در اوضاع زندگی و معیشتی ایرانیان یهودی ایجاد نشد، هرچند به دنبال جریان مشروطه در ایران به‌آرامی از یوغ مقررات مالیات سرانه (جزیه) رهایی یافتند، اما همچنان مورد تعرض گاه‌وبیگاه مسلمانان بودند (اخجسته و ادوای،

۱۳۹۱، ص ۶۶۶) و همانند سال‌های قبل چاره‌ای نداشتند، جز در پیش گرفتن پست‌ترین مشاغلی که مسلمانان از دست زدن به آن ابا داشتند.

«اوژن اوبن» که مقارن حوادث مشروطه از ۱۳۲۴ الی ۱۳۲۵ هجری (ژوئیه ۱۹۰۶ تا ژوئن ۱۹۰۷ م) به‌عنوان سفیر فرانسه در ایران بود، پس از طرح مباحثی درباره یهودیان می‌گوید: «در ایران یهودیان مجموعاً ۵۱۰۰ نفر در تهران ۵۳۰۰ نفر در همدان و ۵۰۰۰ نفر در شیراز زندگی می‌کنند. یهودیان همدان، ارومیه، کرمانشاه، سلطان‌آباد (اراک) و کاشان در بازار پذیرفته‌شده‌اند و در آنجا به تجارت اشتغال دارند» و در ادامه اشاره می‌کند که به‌مانند گذشته رقاصی و آوازی خوانی و نیز شغل پزشکی (اوبن، ۱۳۹۰، صص ۹۰ - ۹۱) همچنان در میان ایرانیان یهودی رواج دارد. به‌طورکلی شغل پزشکی (توسط مردان یهودی) و قابلگی (توسط زنان یهودی)، آوازخوانی و نوازندگی نقره‌کاری، تهیه شراب و بزازی و خرده‌فروشی از جمله مشاغل خدماتی عمده ایرانیان یهودی در این دوره بود (لوی، ۱۳۳۹، ص ۷۸۴).

در همین زمان بنا به گفته «عبدالله مستوفی» که در کتاب خود آورده است: «گروهی از مردان و زنان یهودی به دوره‌گردی و بزازی و خرید اسباب خانه و زری و یراق و طاق و شال و جواهر اعیان و اشراف مشهور بودند. یراق‌ها و زری‌ها را می‌خریدند و می‌سوزاندند و نقره آن‌ها را استخراج می‌کردند. دلال‌های دوره‌گرد کلیمی (یهودی) را مردم مشتری خطاب می‌کردند» (مستوفی، ۱۳۸۸، صص ۱۶۴-۱۶۵).

در این دوره، به‌ندرت می‌توان شاهد به‌کارگیری ایرانیان یهودی در کارخانه‌های دولتی و خارجی در ایران می‌باشیم، به‌جز موارد استثنایی که آن‌هم چندان با موفقیت همراه نبود. برای مثال می‌توان به کارخانه کبریت‌سازی شرکت صنعتی و تجاری ایران که با تشویق «امین‌الدوله» و به «ریاست پولیاکانوف» روسی در نزدیکی

زرگنده تأسیس شد اشاره کرد که کارگاه قوطی‌سازی کبریت آن انحصاری به کارگران یهودی که غالباً دختر بودند اختصاص داشت، اما به دلیل اینکه نتوانست با کارخانه کبریت‌سازی اتریش و سوئد رقابت نماید بسته شد و به تبع آن نیز کارگاه قوطی‌سازی آن نیز به تعطیلی کشیده شد (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۶۱ و جمال‌زاده، ۱۳۶۲، ص ۹۴).

به‌طورکلی با بررسی کتب تاریخی، اسناد و سفرنامه‌ها، می‌توان اطلاعات مفیدی از وضعیت شغلی یهودیان به دست آورد. یهودیان در بعضی از مشاغل بیشتر از سایر مردم فعال بودند. علاوه بر مشاغلی در که فوق به آن اشاره شد، شغل‌های از قبیل قصابی، بقالی زرگری (سیروس و اتحادیه (نظام مافی)، ۱۳۶۸، ص ۱۱۸)، دلاکی، تولید مشروبات الکلی، ساخت ادوات موسیقی و نواختن آن، رقاصی، سپوری (کرزن، ۱۳۴۱، ص ۲۹۳)، بارکشی برای مسلمانان و خارجیان (لوتی، ۱۳۷۰، صص ۸۴ - ۸۵)، استخراج عتیقه‌جات از زمین و فروش آن، تجارت دارو، طلا و جواهرسازی، بزازی، نظافت اماکن تفریحی فعال بودند. (حقیقت، ۱۳۷۷، صص ۱۷۲۸ - ۱۷۲۹).

لازم به ذکر است که ایرانیان یهودی در این دوره، در انتخاب شغل چندان آزادی عمل نداشتند و هرازگاهی با مشکلات مختلفی روبه‌رو بودند و در برخی از این مشاغل از امنیت شغلی چندان بر خوردار نبودند. برای مثال در خصوص تهیه شراب توسط یهودیان و نحوه برخورد حکومت که هرچند گاهی آن را ممنوع می‌کرد و در مواقعی نیز با پرداخت مالیات سنگین از فروش آن توسط یهودیان چشم‌پوشی می‌کرد، چند نمونه سند در ادامه خواهد آمد.

یهودیان کاشان در سال ۱۳۲۸ هجری (۱۹۱۰ م) با توجه به ترسی که از برخورد حکومت در مورد تهمت مشروب‌فروشی به آنها داشتند، عربضه‌ای به پیشکار مالیه

کاشان (معاضدالسلطنه) ارسال کرده و تقاضای رفع این تهمت و خیرخواهی از جانب وی دارند. عرضیه مذکور به شرح زیر می‌باشد:

عریضه جماعت کلیمیان کاشان بجناب معاضدالسلطنه

«چون زمان عدل و دادست و بصمداق ظلم بالسویه این اوقات در همه آفاق مملکت بنور عدالت مزین و منور و روشن است و بر همه ملت و ادیان خوش میگذارد چه شود که از فرط فتوت و عظمت مستطیات عالی بکفایه و قاطبه کلیمی مدینه کاشان خوش بگذرد...؟ خوش خرمی با جان نثاران روی سلامتی ذات خجسته صفات...؟ تعالی است و از...؟ بعد چون دعاگویان که در تحت و اطاعت اسلام واقع هستیم، باندازه‌ای که راحت واقعه خاطر باشم بر همه جان نثاران خوش است در ضمن معرض میداریم بعد از صدور حکم محکم قانون از روی نظام نامه مبارکه که از طهران نزول بکاشان فرمود و بر هر فردی از افراد نفوس اطاعت و اجابت آن واجب خاصه دعاگویان لهذا جناب جلالت همراه...؟ رئیس تحدید از روی بخیری و بی اطلاعی تمامی کلیمیان کاشانرا با اشتباه کاری راپورت بطهران داده‌اند که کلیه جماعت کلیمی کاشان مشروبات فروش هستند و حالی آنکه ب خلاف واقع آن این مسئله چرا که بعبارت کاشان در محله دعاگویان چند نفر شیره چی مخصوص با اسم و رسم دارد و این شغل اختصاص بان چند نفر دارد و موافق حکم قانون معمول می‌دارند اصلاً و مطلقاً دعاگویان داخل این شغل و عمل نمیباشیم بهرجهت جناب...؟ الیه همه یوم و همه اوقات پلیس و مأمور بخانه‌ها و منزلهای ما میفرستند و تمام اهل و عیال ما در گرفتاری و اضطراب هستند و هرچه از خود جناب معظم‌اله رفع مفاسد را خواستم موثر و مفید واقع نشد بآنکه چند دفعه در این مورد برائت حاصل نموده‌ایم خود ایشان...؟ حال از مراحم بیکاران آن خیرخواه خلق‌الله که حکمی فرماید که

رفع تهمت ما هم از این ماجرا و ...؟ راحت شوم تا آنکه در پای تورات حضرت موسی دعاگو باشم» (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۳۷۲۸۵/۲۴۰).

اما در سال ۱۳۳۳ هجری (۱۹۱۵ م) گزارشی از شیراز به وزارت مالیه در تهران ارسال شده است که علاوه بر نحوه برخورد با این صنف در شیراز، میزان درآمد و مالیات ناشی از آن را نیز ارائه نموده است:

خزانه‌داری کل وزارت جلیل مالیه از بدو تأسیس اداره مالیه در شیراز مالیات؟ عرق در شیراز بواسطه اعتراض «آقایان علماء شیرازی جاری نگردید و فقط عاید مالیه از عرق سالی نهصد و پنج تومان بوده بنده تدابیر یک من دو قران برای عرق رسوم جاری نمودم و شرایطی که مقرر شد با نهصد و پنج تومان مالیات قدیم ...؟ معافی مقدار مصرف جماعتی یهود از ادای رسوم یک من دو قران است. مخارج ماهی پنجاه تومان و عایدات ...؟ سالی هشت هزار تومان است استدعای تصویب این ترتیب را دارد» (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۱۱۴۲۲/۰۲۴۰).

در همین صنف مشروب‌فروشی علی‌رغم ممنوع بودن آن در سال ۱۳۳۳ هجری (۱۹۱۵ م) عرض حالی در دست است که اشاره به اختلاف مالی دو یهودی بابت شراکت در دکان مشروب‌فروشی دارد. عرض حال زیر از شخص به نام رحیم کلیمی است که به وزارت خارجه ارائه نموده است و علت ارائه این عرض حال به وزارت خارجه به این دلیل است که شریک وی (آقاجان) خود را تبعه دولت انگلیس نموده و تحت حمایت آن دولت قرار دارد. عرض حال مذکور به شرح زیر آمده است:

«این بنده با آقاجان مزبور قریب یکماه و نیم است شراکت داشتیم می‌خواهم فسخ نمایم و مبلغ هشت تومان مشروبات از دکان خیابان شمس‌العماره است در کوچه قاجاریه بفروش ... نموده‌ام مستدعی است دکان مشارالیه را که در کوچه قاجاریه

گرفته حسب الامر توقیف نمایند تا حاضر شده رسیدگی و ضم عمل نماید» (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۳۶۰/۵۹۶۴).

قابل توجه است که دو شخص فوق همچنان در سال ۱۳۳۵ هجری (۱۹۱۷ م) در صنف مشروب‌فروشی باهم همکاری داشته و در راپورتی که از اداره نظمی به وزارت خارجه وقت ارسال شده است علاوه بر اعلام ممنوع بودن مشروب‌فروشی توسط اداره نظمی، درخواست رسیدگی وزارت خارجه به این موضوع را دارد:

«در تعقیب وقعه ۱۰ شماره ۲۶۸ راپورت عدلیه راجع به جلب کردن رحیم کلیمی مشروب‌فروش بجرم پیاله فروشی از خیابان جبه خانه و در تحقیقات اظهار داشت مشارالیه در دکان متعلق باقاجان کلیمی تبعه دولت فخریه انگلیس میباشد آقاجان در کمیساریا حاضر صریحاً اقرار به پیاله فروشی خود نموده و نیز اظهار می‌دارد که از طرف سفارت به من اجازه پیاله‌فروشی داده شده است بواسطه پیاله‌فروشی آقاجان اغلب از کسب‌های خیابان مذکور و آژانهای ... شکایت می‌کنند و سلب آسایش آنها را نموده و فوق العاده اسباب زحمت آژانها شده است و نیز ... دکان مشروب فروشی دیگر بدون اطلاع کمیساریا در جلوخان شمس‌العماره باسم برادر خود باز کرده و دائماً بترتیب فوق مشغول پیاله‌فروشی میباشد و قبلاً نیز یکدفعه راپورت پیاله‌فروشی مشارالیه در تحت ۶۱۵ عرض شده است» (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۳۶۰/۳۶۸۳).

البته نمی‌توان نادیده گرفت که اسناد مختلفی نیز وجود دارد که حکایت از اقدامات غیرقانونی ایرانیان یهودی در زمینه‌های مختلفی شغلی از جمله در زمینه استخراج عتیقه‌جات و معاملات غیرقانونی آن دارد. در سند که در سال ۱۳۲۸ هجری (۱۹۱۰ م) در دست است دستوری از وزارت معارف و اوقاف و فواید عامه به اداره

عتیقات؟ صادره شده است مبنی بر جلوگیری از حفریات بدون مجوز و توقیف اشیاء عتیقه استخراجی:

اداره عتیقات حکومت جلیله دارالخلافة

«با قدغن‌های اکیدی که در منع حفر اراضی شده هر روز خبر میدن فلان دسته یهودی فلانجا مشغول حفرند و بهیچ ترتیب جلوگیری کامل نمیشود از آنها کرد و از جمله خبر داده‌اند در قریه کوهه زیرنیک امام خاک ساوجبلاغ چند نفر از آنها رفته و حفاری میکنند خواهشمندم یک نفر مامور صحیح شریک و رفیق با کسی نشود بفرستید برود این یهودیها را با هر چه اشیاء عتیقه درآورده‌اند محفوظاً و مضبوطاً بشهر بیاورد و تحقق هم بکند علاوه برآنچه موجود دارند چها درآورده و از میان برده‌اند و تجدید خواهش میکنم در تعیین مامور دقت مخصوص مبذول فرمائید» (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازیابی سند ۲۹۳/۱۳۰۹).

در همین سال ۱۳۲۸ هجری (۱۹۱۰ م) دستوری از وزارت داخله به حاکم فیروزکوه موجود است که نشان از حفر غیرقانونی یهودیان در زمین‌های آنجا دارد. متن دستور به شرح زیر است:

آقای منتظم‌الدوله حاکم فیروزکوه

«بموجب راپورت تلگرافی دو نفر یهودی در قریه مزدوران مشغول حفریات و اشیاء عتیقه هستند چون حفریان بی‌اجازه وزارت فواید عامه اکیداً ممنوع است ... مینویسم که بوسیله سریعه تمام حکومت فیروزکوه قدغن نمائید که ان دو نفر یهودی را احضار کرده اگر اجازه از وزارت فواید عامه دارند اطلاع داده والا آنها را از این اقدام ممنوع بدارد و اگرهم چندی استخراج کرده باشند توقیف نموده بوزارت داخله بفرستید» (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازیابی سند ۲۹۳/۰۰۱۳۰۸).

۳- جایگاه ایرانیان یهودی در موسسات مالی و بانکداری دوره قاجاریه

اولین اقدام جدی ایرانیان در خصوص ایجاد موسسات مالی و بانکداری، پیدایش و توسعه صرافی‌ها در نظام مالی ایران بود. علت این پیدایش، احتیاج روزانه مردم به تعیین وزن و عیار مسکوکات گوناگون در بازار معاملات بود؛ چرا که با نابسامانی در امر ضرابخانه‌ها و رواج پول‌های مختلف و بدون آشنایی با مشخصات مسکوکات رابطه ارزش فلزات یا یکدیگر در کسب و معامله موفق امری مشکل و غالباً ناممکن بود؛ بنابراین برای رفع این نیاز وجود کسانی که آگاه به خصوصیات مسکوکات و مسائل آن، ضرورت بسیاری یافت. بدین ترتیب وابستگی بازرگانی به پول و خارج شدن نظام مبادلات از حالت تهاتری موجب ایجاد ارتباط تنگاتنگ میان امور صرافی و تجارت شد. صرافی‌ها در کنار امنیت، ثبات سیاسی حکومت‌ها از جمله عواملی بودند که در رشد تجارت مؤثر بودند و به‌نوعی صرافی‌ها نموداری از نوسانات اقتصادی مملکت ایران شدند.

در دوره صفویه، به دلیل وجود رونق تجارت به‌ویژه در دوران «شاه عباس اول» نظام صرافی جان تازه‌ای یافت و چون ایران توانسته بود به‌نوعی مرکزیت تجاری خود را به دست آورد و بازرگانان ایران عامل مبادله میان ملل دور و نزدیک شدند؛ بنابراین این وضعیت تا دوران قاجار ادامه داشت. در قرن نوزدهم برخی از صرافان که قدرت و مکنت مالی بیشتری برخوردار بودند با باز کردن حساب در بانک‌های خارجی یا تعیین طرف در خارج و فرستادن نماینده به مراکز عمده تجاری آن روزگار، دایره عملیات خود را در بازارهای بین‌المللی توسعه بخشیدند و در کنار آن به خرید و فروش برات‌های داخله، قرض دادن و جوهی به مردم، خرید و تنزیل کردن، قبول مستمری و حقوق دیوانی مردم، می‌پرداختند (فاتح، بی‌تا، ص ۳۰۸).

دور زمان قاجار باوجود تأسیس بانک‌های خارجی توسط روسیه و انگلیس (بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی) صرافی‌ها به‌طور نسبی و به‌موازات این بانک‌ها به کار خود ادامه می‌دادند و در آذربایجان امور صرافی توسط مسلمانان ایرانی، در خراسان تاتارها و ارامنه روسیه، در غرب ایران یهودیان و در مرکز و جنوب کشور زرتشتیان و بعضاً اعراب و هندیان انجام می‌پذیرفت. البته در بعضی از شهرهای جنوب به‌طور مثال بوشهر عمل صرافی به‌طور انحصاری به یهودیان اختصاص داشت که بنا به گفته سعادت: قبل از ایجاد بانک در بوشهر، عمل صرافی و خریدوفروش بروات با یهودها بود و به این سبب همه صاحب ثروت و مکتب بودند، ولی بعد از ایجاد بانک همه تهنی دست و بی‌چیز شدند (سعادت، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

قابل توجه است که از گذشته دور فعالیت صرافان یهودی، در کنار دیگر ادیان ادامه داشت و این امر از مشروطه به بعد حالت تکامل یافته‌تری پیدا کرد، البته تلاش یهودیان به صرافی، دادن وام با وثیقه یا بدون وثیقه علل گوناگونی داشت. اول: ایرانیان یهودی، در دوران قبل از مشروطه، از اشتغال به بسیاری از فعالیت‌ها ممنوع بودند، حتی تا زمان «ناصرالدین‌شاه» حق حمل و فروش پارچه را به‌صورت دوره‌گردی نداشتند چه برسد به مشاغل دولتی، سیاسی و نظامی. دوم: ایرانیان یهودی، به علت ترس از آینده همواره سعی داشتند، قسمتی از درآمد خود را هرچند مختصر پس‌انداز کنند؛ پس‌انداز برای روز مبادا یا برای زمانی که در اثر مواجه شدن با مشکلات سیاسی و غیرسیاسی، احساس عدم امنیت، به حکم اجبار برای خرید جان خود و عیال و فرزندانشان مبلغی بپردازند و از مهلکه خلاص شوند. سوم: می‌توان گفت که ایرانیان یهودی تا حدودی در خصوص مسائل مالی مردمانی امین و مورد اعتماد عامه بازرگانان و دست‌اندرکاران امور مالی بودند. همه این عوامل موجب می‌شد تا یهودیان پس‌انداز مختصر خود را به کار بگیرند و علاوه برکارهای صرافی، از

طریق وام دادن و بهره گرفتن درآمدی برای خود فراهم آورند (مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، ۱۹۹۶، ص ۱۹۵).

اگرچه در امر تجارت نیاز به صرافان درستکار و امین لازم بود اما این حرفه به دلیل دریافت سودی در قبال انجام امور در قانون شرع اسلام به دلیل حرام شمردن ربا مکروه و اکثر مردم از رباخواران نفرت داشتند و صاحبان این پیشه را درخور سرزنش می‌دانستند (فلور، ۱۳۶۵، ص ۳۷). هرچند در دین یهود نیز رباخواری مذموم شمرده می‌شود اما عدم تمایل مسلمانان به این امور فرصتی را برای یهودیان فراهم نمود تا با آزادی بیشتری به شغل صرافی بپردازند و در کنار آن در بعضی از شهرها مانند رشت در ضرابخانه نیز فعالیت نمایند (لوی، ۱۳۳۹، ص ۷۳۲).

البته اشتغال یهودیان در ضرابخانه‌ها تنها مختص به شمال ایران و رشت نبوده بلکه در تهران نیز فعالیت‌های در این زمینه داشته‌اند که اسناد زیر گواه این مطلب می‌باشد. در سال ۱۳۲۸ هجری (۱۹۱۰ م) طی درخواستی که از وزارت داخله به وزارت مالیه وقت در دست است نشان از سابقه طولانی اشتغال یهودیان در امور ضرابخانه دارد. سند مذکور به شرح زیر است:

وزارت جلیله مالیه

«از قراری که اسحق و فرج کلیمی اظهار مینمایند قرب بیست سال است که در اداره ضرابخانه بخدمت عملگی مشغول بوده در اینمقدمه ... بطهران آمده‌اند بواسطه اینکه چند روز در مراجعت بسرخدمت خودشان تاخیر کرده‌اند حال در پذیرفتن آنها قدری مسامحه دارند چون این اشخاص مردمان فقیر هستند و رعایتشان لازم است جناب مستطابعالی مقرر فرمائید در صورتیکه از این کلیمی‌ها خلاف و خباثتی ظاهر نشده است مقتضی بدانید کمافی سابق آنها در ضربخانه مشغول خدمت نمایند آسوده شوند» (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۲۴۰/۰۵۸۶۶۶).

مشغول بودن یهودیان در ضرابخانه تنها به شغل عملگی خلاصه نمی‌شد، چراکه در بعضی مواقع حتی در تهران بعد از وارد کردن برخی مسکوکات به شکل قاچاق خود مستقلاً کوره ذوب مسکوکات برپا نموده و با ارتباطی که با صرافان داشتند در شکل و عیار مسکوکات داخلی مداخله می‌کردند که سند زیر در همین رابطه می‌باشد. این سند گزارشی (راپورتی) است از مفتش مامور دروازه شمیران به وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه در سال ۱۳۳۷ هجری (۱۹۱۹ م):

«حسب الامر دیروز یک ساعت و نیم بعدظهر برای تفتیش محلی در خارج دروازه شمیران برای ذوب بعضی مواد تشخیص داده شد رفته و پس از تحقیقات کامله اطلاعاتی که تحصیل شد ذیلاً از نظر عالی میگذراند در باغی خارج دروازه شمیران و متعلق به امیرمظفرالدین خان جمعی یهودی مشغول بذوب کپکهای نقره روسی هستند. کپکهای مزبوره را برای این ذوب مینمایند که نقره آنرا از مس مجزی نموده و بضرابخانه بفروشند امانظر باینکه این عمل اساساً بایستی مورد توجه دولت واقع شود لهذا لازم میدانند که کلیه اطلاعاتیکه در اطراف این کار تحصیل شده بعرض برسانند. از دو ماه قبل تجار و صرافان ذیل الذکر مقادیر گزاف کپک نقره از روسیه وارد نموده بفروش میرسانند (محمد- جوابچی- ملکی- صدائی- ذکریا- حاجی میرزا- پاریسیان) و از این راه منافع فوق العاده عاید می‌دارند تاجیکه مطابق اظهارات کلیمیهای که مشغول ذوب پولهای مذبوره میباشند بیش از دو کرور تومان ده کپکی بیست کپک و ده ساقی؟ نقره روس بطهران رسیده و توسط آنها و بعضی کلیمیهای دیگر ذوب و مصرف رسیده است سابقاً محل ذوب در محله کلیمیها بوده است ولی نظر باینکه مسکن صاحبان کوره‌ها خارج دروازه در مرکز محله اسباب زحمت مجاورین بوده است مورد تعرض واقع شده و کنیسه‌های عودلاجان هم بنا بر تظلم و شکایت بعضی کلیمیها اشخاص مربوط را وادار به متروک انجا نموده و مشارالیه هم کوره های خود

را به خارج دروازه انتقال داده‌اند و بنا باظهار این دسته کوره دیگر در محله کلیمیه‌ها تهیه شده است کلیمیه‌های مشغول پولهای مزبوره هستند عبارتند از داود آقا جان اسحاق داود آقا جان نماینده محمود صراف و داداش محمد ...؟ نیز در این کار شراکت دارند نقره‌های مزبوره را از قرار مناتی ۳۴ شاهی کلیمیه‌های ...؟ از تجار فوق الذکر خریداری نموده ولی از ذوب نقره خالص آنرا از قرار مثقالی یکقران و نیم شاهی به رئیس ضرابخانه میفروشدند و مناتهای مزبوره چهار مثقال و سه نخود و نیم وزن دارد و نصف آنها قدری بیشتر نقره است و نصف دیگرش مس لهذا نظر باینکه تا حال مقادیر گزافی طلا و نقره از روسیه بطور قاچاق وارد ایران شده است لازم است از اداره گمرکات تحقیق شده و این دو کرور یا بیشتر با اطلاع کمرگ واحد حقوق مقرر وارد ایران شده یا بطور قاچاق از سرحد گذشته است و در صورت شق اخیر دولت میتواند تحقیقات لازمه نموده و تجاریکه به این کار اقدام نموده‌اند جریمه کرده و مجبور به تادیه حقوق نماید. عبدالحمید» (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازیابی سند ۲۴۰/۰۵۵۵۰).

قابل توجه است که صرافان در دوره قاجار و به‌ویژه در دوره جنبش مشروطه از لحاظ نوع فعالیت، علیرغم کسادگی کار آنها که از دلایل عمده آن فعالیت بانک‌های خارجی انگلیس و روسیه در ایران بود، به سه دسته تقسیم می‌شدند. ۱- مباحه‌کاران یا رباخواران: این گروه مستقل بوده و تعدادشان کم بود و سرمایه ناچیزی نیز در اختیارشان قرار داشت، طالب سود و بهره زیاد بودند و غالب بدهکاران همیشه با آنها مرافعه داشته و علت بدبختی خود را اعمال آنها می‌دانستند. ۲- صرافان موقت و یا دوره‌گرد: اینان کیسه پول خود را بدوش کشیده و در خیابان‌ها به دنبال مشتری می‌گشتند، بیشتر این گروه را سربازانی تشکیل می‌دادند که بخش اعظم وقت خود را به پول قرض داد با بهره زیاد اختصاص داده بودند و معروف به صراف زاده‌نشین در

میان مردم بودند. ۳- صرافان واقعی: اینان از لحاظ اجتماعی مقبول و در بازار حجره و دکان‌های داشتند و در آنجا دستبند کهنه، طلا، نقره و ... عرضه می‌کردند. اکثر کارهای مهم و ضروری در امر تجارت به عهده این دسته بود (فلور، ۱۳۶۵، ص ۲۰۵). هرچند به دلیل نبود اطلاعات کافی نمی‌توان به‌طور دقیق نظر داد، اما به احتمال بسیار زیاد حضور ایرانیان یهودی در میان دسته اول و دوم محتمل به نظر می‌رسد اما در میان دسته سوم به دلیل عدم مقبولیت در بازار و حجره‌های مسلمانان، نمی‌توان برای آنها جایگاهی قائل بود. در خصوص بانکداری نوین، برخی از منابع فعالیت ایرانیان یهودی را هم‌زمان با برپایی بانک شاهنشاهی در ایران می‌دانند، از همین زمان یهودیان ساکن تهران به تأسیس بانک‌های رهنی مختلف اقدام کردند که اسامی مهم‌ترین آنها به‌قرار زیر است:

- ۱- بانک رهنی ربی ملا اهرن کهنیم و یوسف یرمیا (یرمیان).
- ۲- بانک رهنی حاج اسحق و رحمیم آقا بابا زلیخا فهیمیان.
- ۳- بانکی رهنی آگئولا دردشتی.
- ۴- بانک رهنی افندی فامیلی.
- ۵- بانک رهنی صدق (ساقی الیاهو اصفهانی) (مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، ۱۹۹۶، صص ۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱).

۴- نقش و جایگاه تجار و بازرگانان یهودی در دوره قاجاریه

با پیدایی نظام‌نوین جهانی و آغاز سلطه کشورهای قدرتمند بر اقتصاد و تجارت ایران، حجم تجارت و بازرگانی در بنادر و مراکز تجاری ایران افزایش یافت. این افزایش همراه بود با تأسیس کمپانی‌ها و تجارت‌خانه‌های داخلی و خارجی. منابع تاریخ اقتصاد ایران در سخن از تجارت پیش از جنبش مشروطه به تشکیل شرکت‌های

تجاری از سوی تجار و عموم مردم اشاره‌ای مختصر کرده‌اند؛ اما در دوره مظفّری فعالیت و تعداد این شرکت‌ها - تعدادی از این شرکت‌ها داخلی عبارت بودند از: شرکت اتحادیه، شرکت اتفاقیه، شرکت اسلامیّه، شرکت امید، شرکت ایرانیان، شرکت ثابتیه، شرکت صفائیّه، شرکت ظهریه، شرکت عمومی ایران، شرکت عونیه، شرکت فارس، شرکت فتحیه، شرکت قمشه، شرکت محمودیه، شرکت مسعودیه و شرکت ناصریه - از رونق نسبی برخوردار بودند که به نوعی با آزادی‌های اجتماعی این دوره ارتباط دارد (تاره، ۱۳۹۲، ص ۲۸۷). امکان انتشار روزنامه‌های متعدد و درج مقالاتی درباره وضعیت اقتصادی ایران و انتقاد از سلطه بنگاه‌های خارجی همچون بانک شاهنشاهی از سوی روزنامه‌هایی همچون حبل‌المتین که در کلکته به چاپ می‌رسید، باعث می‌شد که دست‌کم در بعضی شهرهای مهم ایران مردم به تشکیل شرکت‌های تجاری و مجموعه‌های صرافی - به‌عنوان جایگزین بانک - اقبال نشان دهند، اما به چند دلیل عمر این شرکت‌ها طولانی نبود، نخست آن‌که در هنگام عقد قرارداد معمولاً مشارکت نیز تعیین می‌شد و در اغلب موارد شراکت برای فعالیت ۵ ساله شکل می‌گرفت و در صورت موفقیت آن مدت شراکت را تمدید می‌کردند. دیگر این‌که نبود قانون مدون برای تأسیس و اداره این شرکت‌ها و عدم حمایت دولتی از آنها و نبود ضمانت کافی در انجام تعهدات شرکت‌ها باعث می‌شد عملاً فعالیت آنها محدود یا کوتاه‌مدت باشد. حوادث سیاسی اواخر دوره مظفّری که منجر به جنبش مشروطه ایران شد عامل دیگری بود که باعث خاموش شدن بسیاری از شرکت‌ها گشت و در صورت ادامه فعالیت نیز عملاً خبری از آنها منتشر نمی‌شد (تاره، ۱۳۹۲، صص ۲۸۷-۲۸۸).

تحقیق در خصوص بازرگانان و تجار یهودی و میزان نقشی که در اقتصاد ایران در دوره قاجاریه داشته‌اند، به دلایل مختلفی از جمله کمبود منابع و اسناد در این

خصوص، بسیار مشکل است. در آستانه مشروطه پس از سال‌ها سرکوب و کشتار و بر اثر تغییر دین اجباری و وضع قوانین ضدیهودی که حق کار و کسب، تحصیل علوم و حتی تحرک را از آنان می‌گرفت، یهودیان را به اقلیت کم‌جمعیت، کم‌توان و مطیع مبدل کرده بود. ثروت آنها بخصوص در دوران صفویه و قاجاریه به‌طور مداوم به غارت رفته بود و رشد فرهنگی آنان به حداقل رسیده بود، اما با این وجود، ایرانیان یهودی از دیرباز به واسطه نوع زندگی‌شان در زمینه تجارت و بازرگانی فعالیت می‌کردند. از اواسط دوره قاجار و بعد از پیروزی جنبش مشروطه بود که تغییراتی در ساختار اجتماعی جامعه ایران شکل گرفت، مانند روابط ایران با دول غربی، رشد طبقه روشنفکر، تسهیل شده روابط یهودیان با یکدیگر در سراسر جهان، بهبود راه‌های ارتباطی، کم شدن حساسیت مذهبی و تأسیس مراکز آموزشی ویژه یهودیان و نیز فشارهای سفارتخانه‌های خارجی (فرانسه و انگلستان) و نیز حمایت‌های حاکمیت قاجار، این اقلیت در حال جان گرفتن بود و باعث شد تا آنها به راحتی در بسیاری از مشاغل و حرفی که در آن مقطع تاریخی به لحاظ اقتصادی و فرهنگی دارای اهمیت خاصی بود، ورود کرده و فعالیت‌های گسترده‌ای را در آن زمینه انجام دهند و علیرغم دشواری‌های از قبیل محرومیت از حق داشتن دکان، کشاورزی و صنعتگری در اغلب شهرها، به تدریج در امور تجاری موفقیت‌های هرچند نسبی به دست آوردند (مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، ۱۹۹۶، صص ۷۰-۷۱).

به هر حال یکی از شغل‌های که همواره یهودیان در آن فعال بودند و به آن شهرت داشتند تجارت و بازرگانی بود، به طوری که رد پای تجار یهودی در اکثر مراکز بازرگانی و تجارتخانه‌های این دوره قابل رؤیت است. این تجار از تجارت کوچکی بهره‌مند بودند و به ندرت به مقام بزرگ تجاری دست می‌یافتند (کرزن، ۱۳۴۱، ص ۲۹۳) و در صورتی که به ثروتی دست می‌یافتند به مناطقی مستعدتر مهاجرت می‌کردند.

یهودیان در تجارت خلیج فارس نقش مهمی در دست داشتند برای مثال در بوشهر عمده تجارت در دست آنها بود (حقیقت، ۱۳۷۷، ص ۷۳۳)، عده‌ای از یهودیان ساکن تهران و همدان در شمال ایران بازرگانان دارو بودند که با اروپاییان ادویه و اقلام دیگری معامله می‌کردند. برخی هم به کار جواهر و به‌خصوص الماس مشغول بودند (پورشالچی، ۱۳۷۶، صص ۹۳-۹۴).

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد به دلیل نبود امنیت شغلی در میان یهودیان بلافاصله بعد از به دست آوردن موقعیتی مناسب، جلای وطن کرده و به مهاجرت رو می‌آوردند. گاهی این مهاجرت‌ها به خارج از ایران بود و گاه از شهری به شهر دیگر بود (اولیویه، ۱۳۷۱، صص ۷۵-۷۶) و حتی بعضی مواقع یهودیان غیرایرانی نیز برای فرار از اذیت و آزار و تأمین امنیت مالی در سرزمین خود به داخل ایران و شهرها مهم تجاری وارد می‌شدند؛ به طوری که بسیاری از تجار یهودی بغداد به ایران و از آنجا به بمبئی و هند و بعضاً از آنجا به اروپا نقل مکان کردند. از نام‌آشناترین این یهودیان «شیخ ساسون» و «دیوید (داوود) ساسون» بودند که از بغداد به بوشهر مهاجرت کرده بودند. این پدر و پسر پنج سال در بوشهر بودند و بعد از فوت پدر، داوود ساسون به هند نقل مکان نمود. ساسون از بزرگ‌ترین تجار تریاک در شرق به شمار می‌رفت و دفتر تجاری او برای سال‌ها در بوشهر دایر بود و به امر تجارت می‌پرداخت. اسنادی از کارگزاری بوشهر باقی‌مانده است که دال بر فعالیت کمپانی دیوید ساسون در سال‌های ۱۳۲۹ الی ۱۳۳۰ (۱۹۱۱ الی ۱۹۱۲ م) در بوشهر دارد (نورائی، ۱۳۸۵، صص ۳۲-۳۳)، این تجارت‌خانه علاوه بر بوشهر در کرمانشاه نیز دفتر نمایندگی داشت (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۵۶۳).

این نکته را باید یادآور شد که با توجه به نسبت جمعیت یهودیان و رفتاری که با آنان در سطح جامعه می‌شد، نباید در پی یافتن نقش اقتصادی چندانی برای آنان بود.

البته این بدان معنا نیست که هیچ نقشی در فعالیت‌های اقتصادی نداشته‌اند؛ چرا که بنا به گفته عیسوی، عمده تجارت بوشهر و بنا بر گزارش سفیر انگلستان حدود ۸۰ درصد تجارت کرمانشاه و همدان در سال ۱۳۲۲ هجری (۱۹۰۴ م) در دست تجار یهودی بوده است (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۹۴). تاجران یهودی همدان نیز در بازرگانی با کشور عثمانی و همچنین داد و ستد و مبادله کالا با بین‌النهرین، سهم عمده‌ای را برعهده داشتند. بنابر گزارش هوگوگروته «از دیرباز روابط خویشاوندی و تجاری بین یهودیان همدان و یهودیان بغداد وجود داشت» (گروته، ۱۳۶۹، ص ۱۸۶). همین اشتراک مذهبی در بین‌النهرین، با مرکزیت بغداد، سبب پیوند اقتصادی و گسترش روابط بازرگانی یهودیان غرب ایران با یهودیان بین‌النهرین شده بود. در واقع آنچه موجب شده بود تا یهودیان غرب ایران و به‌ویژه همدان بیشتر با آسیا صغیر و بین‌النهرین مراوده تجاری داشته باشند، وجود گروه‌های بزرگی از یهودیان در این شهرها بوده است. پیر لوتی نویسنده و جهانگرد فرانسوی که در عهد مظفرالدین‌شاه از ایران دیدن نمود، چندین بار در اصفهان و تهران با بازرگانان یهودی برخورد نموده و استعداد آنان در این حرفه یاد می‌کند (لوی، ۱۳۳۹، صص ۲۰۰ و ۲۷۸). کمی بعدتر در دوره محمدعلیشاه قاجار و به طور دقیق‌تر در سال اول و دوم مشروطه (۱۹۰۶ - ۱۰۹۷ م) شاهد فعالیت‌های بازرگانی و تجاری پراکنده از جانب ایرانیان یهودی در مراکز تجاری ایران هستیم.

بنا به گزارش اوبن در ساوجبلاغ (مهاباد واقع در آذربایجان غربی کنونی)، تجارت در دست یهودیان این شهر بود (اوبن، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶). در شهر کاشان علاوه به ارائه دادن آمار ۲۰۰ خانواری یهودیان، به گذران زندگی این اقلیت از طریق تجارت و پیشه‌وری اشاره می‌کند که از این راه زندگی راحتی را برای خود فراهم نموده‌اند. درجایی دیگر از تعداد سی نفر از تجاری یهودی در اردبیل نام می‌برد که اصالتاً از

شهر همدان بوده و در این شهر جهت فعالیت‌های بازرگانی و تجاری با تجار روس در اردبیل ساکن شده‌اند و دائماً نیز عوض می‌شوند (اوبن، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷).

«اوبن» در سفرنامه خود، در کرمانشاه نیز با اشاره به تعداد ۳۰۰ خانوار یهودی و فعالیت‌های تجاری آنان سخن از ارتباط بازرگانی و تجاری این اقلیت با هم‌کیشان خود در خانقین (اولین شهر در سر راه به عراق) به میان می‌آورد؛ لازم به ذکر است اشاره شود، در خانقین بازار به‌طورکلی در اختیار یهودیان بود و حتی تعدادی از آنان نیز در کرمانشاه ساکن بودند (اوبن، ۱۳۹۰، صص ۳۶۳ - ۳۴۶ - ۳۴۵). بنا به گفته «هوگوگروته» در همین زمان کرمانشاه به‌عنوان مرکزیت تجاری در غرب ایران مطرح بود و هر قدر بازرگانی بین‌النهرین با اروپا بیشتر گسترش می‌یافت، به همان میزان بازرگانی کرمانشاه نیز توسعه پیدا می‌کرد (گروته، ۱۳۶۹، ص ۹۷). نوشته‌ها و اسنادی در دست است که می‌توان در لابلای آنها به اسامی تعدادی از تجار معروف یهودی در دوره زمانی پژوهش حاضر برخورد که در جدول زیر با ذکر اسامی و تاریخ ارائه می‌شود:

جدول شماره (۱) - اسامی تجار یهودی

سال	زمینه شغلی	نام شخص
۱۳۳۶ هجری (۱۹۱۸ م)	زرگر	الیاس کلیمی (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۲۹۸/۰۹۰۶۳)
۱۳۳۲ هجری (۱۹۱۴ م)	جواهری	ربی (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۲۹۸/۰۹۲۰۵۷)
۱۳۲۷ هجری (۱۹۰۹ م)	سقط فروش	ابن یامین (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۳۶۰/۰۰۱۴۸۶)
۱۳۲۷ هجری (۱۹۰۹ م)	سقط فروش	ربیع کلیمی (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۳۶۰/۰۰۱۴۸۶)

اسحق کلیمی (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۳۶۰/۰۰۴۸۳۵)	تاجر	۱۳۲۴ هجری (م ۱۹۰۶)
عریز- یوسف- سلیمان- ذکریا- شبان- مراد- دانیال (سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۲۹۳/۵۹۹۵)	۷ نفر از تاجر توسیرکان	۱۳۳۸ هجری (م ۱۹۲۰)
عزرا یعقوب کهن (مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، ۱۹۹۶، ص ۲۱۰)	تاجر	۱۳۲۴ هجری (م ۱۹۰۶)

سندی دیگر نیز در خصوص اسامی تاجر یهود و زمینه فعالیت آنها در دست است که هر چند تاریخ آن مشخص نیست اما از محتوا آن می توان پی برد که به احتمال زیاد مربوط به فاصله زمانی کوتاهی از پایان جنگ اول جهانی باشد. در زیر اسامی این تاجر و زمینه شغلی آنها خواهد آمد:

جدول شماره (۲) - اسامی تاجر یهودی با زمینه شغلی آنها

(سازمان اسناد ملی ایران، شماره بازبایی سند ۲۹۰/۵۱۵۵)

آقایان مفصله ذیل از تاجر معروف کلیمی و مقربین محله کلیمیها میباشند

نام	زمینه شغلی
آقاخان کلیم معروف	وکیل مجلس موسسان
حاجی ملا هارون	-----
آقاعریز الیاهو	تاجر سرای امیر
آقا داود؟	ملاک
آقای سلیمان خورسندی	-----
آقای سپ پیر	-----
استاد اقا جان	-----
آقای ملا داود ملا آق بابا	-----
القائیان	تاجر سرای حاجی محمد اسمعیل

تاجر سرای رشتی‌ها	آقای موسی خان بخشی
شرکت کلیمیان	اسحق حاجی مایر
خرازی لاله‌زار	حاجی اسر؟
انتیک‌فروش	آقا یعقوب لاهیجانی
تاجر جواهری	آقا عزیز یعقوب بابائی
مدیر مطبعه	بسک ال؟
تاجر خرازی	آقای یادگار
-----	آقای میرزا آقای یورثیم
سرای امیر	آقای فرج اله کلیم
یک‌دار سرای امیر	حبیب توفیر
تاجر سرای حاج محمد اسمعیل	کیف صفی؟
ترمه‌چی	آقای میرزا آقا جان ملا
تاجر جواهری	رحیم زفائیل
خیاط	استاد الیاس
کتاب‌فروش و مطبعه‌چی	حاجی اسحق ایی شور؟
-----	ساقی لاهیجانی
تاجر دواچی سرای رشتی‌ها	خان باباخان
خرازی لاله‌زار	بنجور
-----	آقا کیف لوی
تاجر ماهوت‌فروش و خیاط لاله‌زار	آقا کیف درویش
مدیر موسسه رهنی	حاجی الیاهو
مدیر موسسه اعتماد	حاجی اعتماد
موسسه	حاجی میرزا آقاخان
-----	آقا جان یارخ

-----	موسی خاکشور
تاجر جواهری	حاجی اسمعیل

۵- وقع جنگ جهانی اول و تأثیر آن بر جایگاه اقتصادی و مهاجرت ایرانیان

یهودی

جنگ جهانی اول تأثیرات چشمگیری بر عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران به‌ویژه در مناطق غربی آن داشت. با شیوع جنگ در این نواحی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به ساختارهای پایه‌ای اقتصاد شهرها و روستاها وارد شد. به علت استقرار نیروهای متخاصم و تبدیل شهرها به پایگاه نظامی آنها و برخورد میان متفقین و متحدین، ساختارهای شهری از بین رفتند. از راه‌های ارتباطی، خطوط تلگرافی، سیستم حمل‌ونقل، گمرکات و بازار تجارت برای بهره‌برداری نظامی استفاده شد و زیرساخت‌ها نابود شدند و ضربه سنگینی به اقتصاد ایران وارد نمودند. نیروهای متخاصم، مواد غذایی را غارت کردند و سبب افزایش تورم و فقر به‌ویژه در روستاها شدند. کشاورزی، پایه اصلی اقتصاد ایران، به علت عبور و مرور نیروهای متخاصم و چپاول محصولات کشاورزی از بین رفت. قبایل و عشایر به‌دوراز نظارت حکومت‌های محلی و قدرت حکومت مرکزی، روستاها و تولیدات کشاورزی را غارت و تصرف و خسارت‌های مادی را تشدید کردند. در این میان اقلیت یهودیان نیز از این قتل و غارت بی‌نصیب نماندند به‌طوری‌که در همین سال‌ها در شهر سقز خانه‌های یهودیان توسط شیخ محمود نامی از مشایخ صوفیه غارت و احشام، مواشی و آذوقه آنها تاراج شد (تیمورزاده، ۱۳۸۰، صص ۵۳-۵۴). کاهش جمعیت ایران به‌ویژه مناطق غربی آن بر اثر برخوردهای نظامی، قحطی، گرسنگی، کمبود مواد غذایی و گسترش بیماری‌های مسری از پیامدهای مستقیم این جنگ بود.

«چارلز عیسوی» معتقد است که در جنگ جهانی اول یهودیان از جمله گروه‌های بودند که بر نفوذشان افزوده شد، چرا که توانستند از بعضی از فرصت‌هایی که رشد تجارت بین‌المللی و رخنه روزافزون، نفوذ سیاسی و اقتصادی خارجی فراهم کرده بود به نفع خود استفاده کنند (عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۳۳-۳۲)؛ اما واقعیت این است که حداقل در خصوص یهودیان ایرانی نمی‌توان با چارلز عیسوی هم‌نظر بود؛ چرا که طبق گزارشات ارائه‌شده در اواخر جنگ، وضع اقتصادی و معیشتی بیشتر ایرانیان یهودی به شکل دیگری در حال جریان بود.

در ۷ می ۱۹۱۸، آلبرت لوکاس، دبیر کمیته مشترک توزیع کمک‌های آمریکایی‌ها برای صدمه‌دیدگان یهودی در جنگ برای وزارت خارجه نامه‌ای نوشته و در آن از دو تلگرام دریافت شده از ایران نقل می‌کند. در تلگرام نخست آمده است «از پنجاه هزار یهودی ایرانی، پانزده هزار نفر گرسنه‌اند، لطفاً کمک کنید» و در دیگر از همدان آمده است: «قحطی وحشتناک، به جامعه ما رحم کنید. لطفاً به ده هزار اسرائیلی بی‌نان کمک کنید». «لوکاساز» وزارت خارجه وضعیت یهودیان ایران را استعلام نموده و در جواب وی در سیزدهم می کالدول چنین پاسخ می‌دهد: «شمار یهودیان نیازمند در ایران را سی تا چهل هزار نفر می‌توان برآورد کرد که احتمالاً بیست‌وپنج درصد آنها در گرسنگی حاد به سر می‌برند» (مجد، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳).

به دنبال این گزارش، کالدول به تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۹۱۸ و با عنوان «کمک آمریکایی‌ها برای یهودیان ایران» به توزیع ۱۵ هزار دلار ارسال شده از سوی یهودیان آمریکا اشاره می‌کند و سپس به نحوه استفاده از این مبلغ می‌پردازد: «در اجرای دستور تلگرافی یادشده کمیته پانزده‌نفری از یهودیان برجسته جوامع یهودی تهران تشکیل شد و کمیته کمک‌رسانی یهود سازمان یافت و این جانب مسئول آن شدم. در پنجم ژوئن کار تبدیل ۱۵ هزار دلار یادشده طبق رسید پیوست، انجام گرفت و به

«ب. خداداد» تحویل داده شد که یک صراف تهرانی است و طبق مقررات از سوی کمیته یادشده به عنوان خزانه دار انتخاب شده است. از این پول ۳۰ هزار قران در تهران هزینه شده و بقیه به نقاط نیازمندتر ایران ارسال گردیده است. از محل این سی هزار قران به چیزی در حدود شش صد خانواده نیازمند در تهران کمک شده است». در گزارش دیگری در ۷ سپتامبر ۱۹۱۸ همین شخص از انتقال ده هزار دلار دیگر و نحوه تبدیل و توزیع آن میان فقرا و خانواده های مستمند یهودی خبر می دهد (مجد، ۱۳۸۷، صص ۲۰۶-۲۰۵-۲۰۴-۲۰۳). بنابراین برخلاف آنچه که عیسوی در مورد جایگاه اقتصادی یهودیان در زمان جنگ جهانی اول به آن معتقد است، نمی توان برای ایرانیان یهودی با وجود فعالیت های پراکنده و حیات اقتصادی نه چندان مطلوب که داشتند جایگاه مناسبی در نظر گرفت.

آشفستگی و ناامنی، فقر عمومی و نبود کار از معضلات جامعه آن روز ایران بود. در همین زمان دایره احصائیه و سجل احوال ضمن این که برای برطرف نمودن این مشکلات، بهبود وضع اقتصادی را مؤثر می دانست، از وزارت داخله به جد درخواست حفظ حیثیات مملکت و جلوگیری از کاهش جمعیت و مهاجرت ایرانیان فقیر را دارد (یزدانی، ۱۳۷۴، ص ۱۴). البته مهاجرت ایرانی های فقیر تنها شامل یهودی ها نمی شد و گروه های دیگری را نیز در برمی گرفت. شواهدی وجود دارد که عده زیادی از مردم چه به صورت قانونی و چه به صورت قاچاقی ایران را ترک کردند. در همین سال ها خبرهای مختلفی مبنی بر مهاجرت عده زیادی از یهودیان به دولت می رسید که از جمله آن می توان به مهاجرت یهودیان شیراز و بوشهر و مشهد (جدیدالاسلام ها) به سوی بیت المقدس اشاره نمود (پورآرین، ۱۳۸۵، ص ۶۴).

نتیجه

به‌طورکلی ایرانیان یهودی در دوره قاجاریه با عوامل گوناگون محدودکننده اجتماعی و اقتصادی در مبارزه بودند. به دلیل ذهنیت رایج مردم نسبت به یهودیان، محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های اقتصادی آنها وجود داشت؛ اما یهودیان از دشواری‌های موجود به نفع خود بهره‌برداری کردند. جنبش مشروطه ۱۳۲۴ هجری نقطه‌ی عطفی بود که به یهودیان ایرانی امکان داد تا نقش پررنگ‌تری در زمینه اقتصادی داشته باشند. این اقلیت در دوران قبل از مشروطه از اشتغال به بسیاری از فعالیت‌ها ممنوع بودند. حتی در زمان «ناصرالدین‌شاه» حق حمل و فروش پارچه را به‌صورت دوره‌گردی نداشتند چه برسد به داشتن مشاغل دولتی، سیاسی و نظامی و به‌طور کل یهودیان هیچ‌گونه آزادی عملی در انتخاب شغل خود نداشتند. در میان آنها، قشر مرفه و متوسط و ضعیف وجود داشت که از نظر منزلت اجتماعی و ثروت، با یکدیگر تفاوت بسیار داشتند. در این میان، طبقه متوسط و خرده‌فروش ستون فقرات بازار به شمار می‌رفتند؛ بنابراین، نوشته‌های برخی از سیاحان اروپایی، مبنی بر نکبت‌بار بودن زندگی یهودیان، خیلی کلی بوده و چندان با واقعیت هم‌خوانی نداشته است. گذشته از این، احتمالاً برخی از یهودیان تظاهر به فقر می‌کردند تا مالیات یا جزیه کم‌تری بپردازند. این نکته را نیز نباید نادیده گرفت که هرچند در میان قشر مرفه و متوسط و ضعیف یهودیان تفاوتی چشمگیری وجود داشت اما نگاه حاکمیت و جامعه ایرانی به آنها یکسان بود و گاهی همین یهودیان متمول نیز مورد اذیت و آزار و غارت اموال هم از جانب حاکمیت هم مردم عادی و هم نهاد مذهبی قرار می‌گرفتند. نمی‌توان ادعا کرد که مشروطه زندگی آنان را متحول کرد، چرا که در بسیاری از شهرهای یهودی‌نشین نظیر شیراز، تهران، اصفهان، همدان، سنندج و کرمانشاه حتی با برقراری مشروطه متحمل بسیاری از اذیت و آزارهای هم‌وطنان مسلمان خود

بودند اما با برقراری مشروطه زمینه اجتماعی و قانونی مناسبی فراهم شد تا ایرانیان یهودی فعالیت‌های اقتصادی خود را افزایش دهند. حتی با وجود محدودیت‌های این دوره توانسته بودند در بازار شهرهای مهم به‌ویژه در غرب ایران پذیرفته شوند و به کسب‌وکار و بازرگانی بپردازند. شاید یکی از دلایلی که یهودیان توانسته بودند به‌ویژه در غرب ایران فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه بازرگانی داشته باشند، همانا محدودیت‌های اجتماعی پیشین بود که آنان را وادار می‌کرد به فعالیت‌های بپردازند که حساسیت‌های کمتری در جامعه ایجاد کند و هم سود بیشتری برای آنها داشته باشد.

رشد یهودیان در فعالیت‌های اقتصادی تدریجی و بلندمدت بود؛ بسیاری از یهودیان در شهرهای پرجمعیت ساکن می‌شدند و شغل‌های پرسودی مانند بازرگانی، صرافی، دلالی و پزشکی را در دست می‌گرفتند و تمام کوشش خود را در این راه به کار می‌گرفتند؛ اما وقوع جنگ جهانی اول تمام معادله اقتصادی ایرانیان یهودی را برهم زد و به نوعی می‌توان گفت در تنگنای کامل قرار داد. این جنگ بر مهم‌ترین شاخه فعالیت اقتصادی یهودیان، یعنی بازرگانی آسیب جدی وارد کرد. یکی دیگر از نتایج مهم این جنگ، بر هم خوردن روابط یهودیان با جامعه اسلامی پیرامون بود؛ بنابراین ناچار شدند هدف بلندمدت خود، یعنی ارتقای موقعیت اجتماعی از راه فعالیت‌های اقتصادی را رها سازند. علاوه بر این، این جنگ سبب افزایش تعصبات دینی در منطقه گردید؛ که این امر تاثیر مستقیمی بر روحیات یهودیان و تمایل آنان به مهاجرت گذارد. از طرفی دیگر تبلیغات گسترده‌ای از جانب اژانس‌های تازه تأسیس یهودی به پشتیبانی انگلیس آغاز شده بود و فعالیت خود را در راستای تشویق یهودیان جهان برای مهاجرت و متمرکز شدن در فلسطین و اعطای تسهیلات به مهاجران، قرار داده بود؛ به همین دلیل جمعیت ایرانیان یهودی در طی سال‌های جنگ و بعد از آن

کاهش یافت و بیشتر آنها از ایران مهاجرت کردند، این کاهش جمعیت به نوبه خود، جایگاه ممتاز اقتصادی یهودیان را به شدت متزلزل کرد.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

شناسه سند: ۲۴۰/۰۰۷۶۳۸؛ ۲۴۰/۳۷۲۸۵؛ ۲۴۰/۰۱۱۴۲۲؛ ۲۴۰/۰۵۹۶۴؛ ۳۶۰/۰۵۹۶۴
 ۳۶۰/۳۶۸۳؛ ۲۹۳/۱۳۰۹؛ ۲۹۳/۰۰۱۳۰۸؛ ۲۴۰/۰۵۸۶۶۶؛ ۲۴۰/۰۵۵۵۵۰؛ ۲۹۳/۰۹۲۰۵۷؛ ۲۹۸/۰۹۲۰۵۷؛ ۳۶۰/۰۰۱۴۸۶؛ ۳۶۰/۰۰۴۸۳۵؛ ۲۹۳/۰۵۹۹۵؛ ۲۹۰/۰۵۱۵۵

کتاب

۱. اوین، ا، (۱۳۹۰)، *ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶ م)*؛ ایران و بین‌النهرین، ترجمه و حواشی علی‌اصغر سعیدی، تهران: علم.
۲. اولیویه، م، (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تهران: انتشارات اطلاعات.
۳. بروجردی، ک، (۱۳۸۴)، *ایران (تاریخ، فرهنگ، هنر)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. پورآرین، ف، (۱۳۸۵)، *انقلاب فراموش شده*، تهران: چاپار.
۵. تیمورزاده، م، (۱۳۸۰)، *وحشت در سقز؛ نگاهی به تحولات کردستان در فاصله جنگ جهانی تا اعاده اقتدار دولت مرکزی ۱۳۰۲-۱۲۹۳*، تهران: پژوهش شیرازه.
۶. جمال زاده، م، ع، (۱۳۶۲)، *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: کتاب تهران.
۷. حقیقت، ع، (۱۳۷۷)، *تاریخ جنبش‌های مذهبی در ایران*، جلد ۴، تهران: نشر کومش.

۸. سعادت. م. ح، (۱۳۹۰)، **تاریخ بوشهر**، تصحیح عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ الحکمایی، تهران: میراث مکتوب.
۹. سیروس. س و اتحادیه (نظام مافی). م، (۱۳۶۸)، **آمار دارالخلافه تهران (اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار) ۱۲۶۹ هجری قمری - ۱۲۸۶ هجری قمری- ۱۳۱۷ هجری قمری**، تهران: نشر تاریخ ایران.
۱۰. سیف، ا، (۱۳۹۲)، **قرن گم‌شده (اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم)**، تهران: نی.
۱۱. عیسوی، چ، ۱۳۶۲، **تاریخ اقتصادی ایران**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
۱۲. فاتح. م، (بی تا)، **پول و بانکداری**، تهران: انتشارات روشنائی.
۱۳. فلور. و، (۱۳۶۵)، **جستاری‌های از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار**، جلد ۲، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
۱۴. کرزن، ج، (۱۳۴۱)، **ایران و قضیه ایران**، ج ۱، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۵. گروه. ه، (۱۳۶۹)، **سفرنامه گروه**، ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز.
۱۶. لوتی. پ، (۱۳۷۰)، **به سوی اصفهان**، ترجمه بدرالدین کتابی، تهران: انتشارات اقبال.
۱۷. لوی. ح، (۱۳۳۹)، **تاریخ یهود ایران**، جلد ۳، تهران: شرکت کتاب.
۱۸. مجد. م. ق، (۱۳۸۷)، **قحطی بزرگ (۱۲۹۸- ۱۲۹۶ ش / ۱۹۱۹- ۱۹۱۷ م)**، ترجمه محمد کریمی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
۱۹. مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، (۱۹۹۶)، **تروعا یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر**، جلد ۱، ویراستار هما سرشار، آمریکا: مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی.
۲۰. مستوفی. ع، (۱۳۸۸)، **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه**، جلد ۱، تهران: انتشارات زوار.

۲۱. مصاحب. غ، (۱۳۵۶)، *دایره المعارف فارسی*، جلد ۳، بخش اول، تهران: موسسه فرانکلین.

۲۲. نورائی، م، (۱۳۸۵)، *اسناد کارگزاری بوشهر*، تهران: موسسه تاریخ معاصر.

۲۳. یزدانی. م، (۱۳۷۴)، *اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین (۱۳۳۰ - ۱۳۰۰ هـ.ش)*، تهران: سازمان اسناد ملی.

مقالات

۲۴. اخجسته. ج و ادوای. م، (۱۳۹۱)، *بررسی وضعیت و مسائل آموزشی اقلیت دینی در دوره مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۴ - ۱۳۲۴ ق)* (ارامنه، زردشتیان و یهودیان)، پیام بهارستان، سال ۵، شماره ۱۷.

۲۵. پورشالچی. م، (۱۳۷۶)، *تاریخ جنبش‌های مردمی و مذهبی ملت ایران در قرن حاضر حصر قاجار (۱۹۲۳ - ۱۸۹۰)*، تهران: زرین.

۲۶. تاره. م، (۱۳۹۲)، *شرکت‌های تجاری ایرانی پیش از انقلاب مشروطه*، پیام بهارستان / ویژه مالیه و اقتصاد، شماره ۱.